

پاسداران سجام ملی باشیم

سرمقاله | صفحه ۲



به مناسبت حلول ماه رجب

• شرافت این سه ماه در زبانها و دریانها و در فکرها نمی‌گنجد

صفحه ۴



چراپرهیز از اقدامات تضعیف کننده‌ی اتحاد ملّی ضرورت دارد؟

پاسدار انسجام ملّی باشیم

■ امتداد طرح دشمن نباشیم

اگر پیش‌ران اصلی قدرت دفاع از منافع ملّی را چنین حقیقتی بدانیم، پس پاسداری و حفاظت از آن گوهری گران بها و نه تنها یک وظیفه‌ی ملّی، بلکه وظیفه‌ای شرعی و دینی است. قدرت اصلی بازدارندگی دفاعی ایران مدیون این انسجام است، اما حفظ این انسجام و پیوستگی محدود به زمان جنگ نبوده و نیست. امتداد اتحاد و انسجام ملّی و پرهیز از نزاع‌های جناحی و سیاسی و باندی و حزبی، اینجا ضرورت پیدا می‌کند. هر اقدامی که نقطه‌ی تمرکز نیروهای اجتماعی و سیاسی را از خارج کشور به داخل کشور انتقال دهد، قطعاً در خدمت اهداف دشمن است. هر امری که جهت‌گیری نیروهای داخلی را از آن سوی مرزها به این سوی مرزها منتقل کند، بخشی از طرح دشمن است، ولو مستند به آیات کتاب خدا باشد؛ و مگر صفین نمونه‌ی این خدعه نیست؟ هر فرد و گروه و جریانی هم که در این مسیر حرکت کند، در خدمت اهداف دشمن قرار گرفته است و خود بی‌اطلاع است:

«عده‌ای - که منشأ این عده هم خارج از کشور است؛ خبرهایی که به ما رسیده، این را نشان می‌دهد - می‌خواهند این جور وانمود بکنند که آن اتحادی که در ابتدای جنگ دوازده روزه و این مدت پیدا شد، مال همان روزها بود؛ چند روز که بگذرد، بتدریج ضعیف می‌شود، اختلافات به وجود می‌آید، اختلاف نظرها غلبه پیدا میکند و این اتحاد از بین خواهد رفت؛ مردم ایران متفرق می‌شوند و میتوان از گسلهای قومی استفاده کرد، از اختلافات سیاسی استفاده کرد و مردم ایران را به جان هم انداخت و اغتشاش و شورش درست کرد؛ این را دارند تبلیغ می‌کنند.» (۱۴۰۴/۷/۱۱)

در این شرایط، وظیفه‌ی نخبگان جامعه دوچندان است. مردم از آزمون خویش سربلند بیرون آمدند و حجت را تمام کردند. حال، نوبت نخبگان است که به مردم اقتدا کنند؛ نوبت نخبگان است که از مواضع و اقداماتی که گسل‌های داخلی را تعمیق می‌بخشد، دوری کنند؛ نوبت نخبگان است که نشان دهند درست مثل مردم، در بزنگاه‌های تاریخی دفاع از کشور و منافع ملّی، مسائل اصلی را محور قرار داده و فرعیات را کنار می‌گذارند؛ نوبت نخبگان است که یک لایه‌ی محکم دفاعی و پدافندی دیگر به لایه‌ی مستحکم انسجام ملّت اضافه کنند که تقویت این لایه‌ها مایه‌ی نوامیدی دشمن و افزایش توان بازدارندگی کشور است. بنابراین، همه باید پاسدار انسجام و اتحاد ملّی باشیم.

■ پایان سرمقاله

■ مردم مشت نیروهای مسلّح را بگردند

علاوه بر تدابیر فرماندهی کلّ قوا برای احیای دستگاه نظامی، قوّت اصلی کشور - که در ادامه و به خصوص در نیمه‌ی دوم جنگ، با مؤثّرتر و کشنده‌تر شدن ضربات نیروهای مسلّح به پیکره‌ی دشمن عبری، مشت نیروهای مسلّح و دفاعی کشور را بگردند - انسجام و اتحاد ملّی کشور بود.

مغناطیس اصلی برای تقویت ساختار نظامی و سیاسی کشور، انبوه ایرانیانی بودند که با وجود تنوع فرهنگی و قومی و زبانی و درجات مختلف فکری و عقیدتی و دینی، یکپارچه در برابر دشمن متجاوز ایستاده و خواستار تنبیه او شدند. گویی به یک باره همه‌ی مرزهای متنوعی که در حالت طبیعی، مردم را به قشرهای مختلف تبدیل می‌کند، کنار رفت و همه‌ی این جامعه‌ی نودمیلیونی را در برابر دشمن تبدیل به یک ید واحد کرد و انسجام و اتحاد ملّی معجزه‌ی خود را نشان داد.

نتیجه در میدان مشخص بود: نیمه‌ی دوم جنگ، عملاً تبدیل به نیمه‌ی هنرنمایی ضربات آفندی ایران شد. حسب آنچه از گفت‌وگوهای جلسات کابینه‌ی رژیم در روزهای جنگ افشا شده، مقامات نظامی و امنیتی رژیم از همان روزهای یکشنبه و دوشنبه متوجّه معکوس شدن روند جنگ شده و در جلسه‌ی روز دوشنبه‌ی خود - یعنی چهارمین روز جنگ - خواستار توقف آن شدند تا بیش از این زیر ضربات ایران قرار نگیرند؛ اقدامی که مورد مخالفت نخست‌وزیر جنگ طلب رژیم قرار گرفت تا عملاً به اثبات برسد که نیمه‌ی دوم جنگ نیمه‌ی ایران بود و ورود آمریکا برای بمباران تأسیسات هسته‌ای یک ورود نمایشی برای پایان دادن آبرومندانه‌ی جنگ باشد؛ ورودی که البته با واکنش ایران و حمله‌ی آفندی به قلب تأسیسات نظامی آمریکا در منطقه همراه شد.

این دفاع مقدّس ثمره‌ی مغناطیس اتحاد و انسجام ملّی بود که مشت کشور را برای تنبیه متجاوز بگردند؛ مغناطیسی حول دفاع مقدّس از منافع ملّی کشور که میلیون‌ها ایرانی را کنار خود جمع کرد؛ مغناطیسی که نقطه‌ی اعمال فشار را نه در داخل کشور، بلکه علیه دشمن خارجی تعریف کرده بود. بنابراین، بلکه علیه دشمن خبیث آمریکایی و صهیونی بود.

چتری گسترده‌تر از تقابل‌های حزبی و باندی و سیاست داخلی که حدّ اعلای قدرت جامعه‌ی ایران را به رخ کشید، تمام نیروهای داخلی را همگرا و علیه نقطه‌ی قانونی تجاوز دشمن خارجی بسیج کرد و قوّت و قدرت نیروهای مسلّح جمهوری اسلامی را مضاعف کرد و نشان داد که قدرت یک جامعه‌ی منسجم، چیزی بیشتر از مجموع قدرت تک تک افراد آن جامعه است.

دشمن صهیونی، در جنگ دوازده روزه‌ی اخیر، هم در سطح راهبردی و هم در سطح تاکتیکی دو هدف عمده داشت. هدف اول، فلج کردن و از کار انداختن بازوهای سیاسی و نظامی کشور با یک حمله‌ی غافلگیرانه بود. به دلیل گستردگی جغرافیایی و عمق بالای راهبردی کشور، امکان اعمال هم‌زمان این دو نبود؛ برای همین هم ترور مقامات نظامی کشور در اولویت نخست رژیم قرار گرفت تا هرگونه احتمال برای پاسخ نظامی ایران در هفته‌های آینده صفر شود. اهدافی که دشمن عبری در نیل به هر دو آنها ناکام ماند.

بال نظامی کشور در همان ساعات اول جنگ احیا شد و ضربات آفندی ایران از همان شب نخست آغاز شد. در سمت دیگر اما اقدام برای ترور شخصیت‌های سیاسی کشور هم ناکام ماند. از سوی دیگر، اقدامات تاکتیکی رژیم، به خصوص در چهار روز نخست جنگ، قرار بود تسهیلات لازم را برای یک هدف راهبردی دیگر فراهم کند؛ هدفی که حتی اقدامی مانند برنامه‌ریزی برای ترور شخصیت‌های سیاسی از مقدمات آن محسوب می‌شد؛ شورش داخلی اجتماعی و مردمی.

رژیم در برنامه‌ریزی تجاوز خود به ایران به وضوح به این مسئله امید بسته بود. در نگاه دشمن صهیونی، بعد از ترور مقامات نظامی، پاسخ دفاعی ایران فلج می‌شد؛ پس از آن هم با ترور شخصیت‌های سیاسی، بال سیاسی جمهوری اسلامی تضعیف شده و این یک موقعیت طلایی برای فعال شدن هسته‌های خفته‌ی ناراضی مردمی و اجتماعی است؛ هسته‌هایی که قانون‌های ناامنی و اعتراض را درون ایران فعال کرده و جمهوری اسلامی را در یک منگنه‌ی سهمگین تهاجم خارجی و شورش‌های داخلی قرار می‌داد. در این طراحى، مقامات عبری در انتظار یک نتیجه‌ی فرضی ایدئال بودند، اما در واقعیت اتفاق دیگری افتاد.

فارغ از آنکه ساختار نظامی و دفاعی کشور در همان چند ساعت ابتدایی احیا شد و برنامه‌ریزی‌های لازم برای ضربه به دشمن صهیونی انجام گرفت، بعد از گذشت چند روز و حتی سپری شدن نیمه‌ی اول جنگ، هیچ نشانه‌ای که حاکی از ازمه‌گسیختگی اجتماعی و مردمی باشد مشاهده نشد؛ نه تنها این اتفاق نیفتاد، بلکه واکنش نود میلیون ایرانی دقیقاً نقطه‌ی مقابل این فرض بود. همه‌ی ملّت ایران، یکپارچه، در کنار یکدیگر علیه نیروی متجاوز موضع گرفتند و از اقدامات تنبیهی نیروهای مسلّح ایران علیه دشمن صهیونی حمایت کردند. حمله و تهاجم خارجی قرار بود فضای داخلی را تضعیف کند؛ اما جامعه‌ی هوشیار ایرانی با تشخیص مسئله‌ی اصلی و کنار گذاشتن مسائل فرعی، یکپارچه در برابر تجاوز خارجی ایستادند.

سرمقاله



■ حفظ هویت دینی از سوی جوانان امروز

بسیار ارزشمند است

دست‌اندرکاران کنگره بزرگداشت ۵۵۸۰ شهید استان البرز (۲۴ آذرماه ۱۴۰۴) با حضور در حسینیه امام خمینی (ع) با رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار، یکی از کارهای مهم در شرایط کنونی را انتقال انگیزه‌ها و ارزش‌های دوران دفاع مقدس به نسل جوان دانستند و گفتند:

جوانهای ما جوانهای خوبی هستند. این وسایلی که امروز هست و وجود دارد، در دوره‌ی جنگ تحمیلی در اول انقلاب نبود؛ این دستگاه‌های بسیار پیشرفته‌ای که برای انتقال مطلب، انتقال مفهوم، انتقال محتوا به ذهنهای طرف مقابل و تحت تأثیر قرار دادن آنها امروز در کار هستند، آن روز نبودند؛ امروز جوان ما در مقابل اینها دارد مقاومت میکند. آن که اهل نماز است، آن که اهل نماز شب است، آن که اهل نافله است، آن که اهل مسجد است، آن که اهل هیئت و سینه‌زنی است، در واقع دارد در مقابل یک چنین موج عظیمی هویت دینی خودش را نگه میدارد و حفظ میکند و تقویت میکند؛ این خیلی باارزش است؛ ما قدر این را باید بدانیم. جوانهای امروز ما به نظر من جوانهای بسیار خوبی هستند و آمادگی دارند؛ برنامه‌ی ما باید این باشد که این ارزشهایی که این شهداها را آفرید، این عظمت را، این گذشت را در ملت ایران به وجود آورد، بتوانیم تبیین کنیم و به نسل بعدی منتقل کنیم تا بتوانند ان شاء الله کشور را پیش ببرند و جامعه را پیش ببرند.

رهبر انقلاب، شوق به لقاء الله و احساس تکلیف دینی در میان رزمندگان دفاع مقدس را از جمله ده‌ها ارزش و انگیزه‌های آن دوران برشمردند و با تأکید بر اینکه نباید گذاشت این انگیزه‌ها خاموش شوند، افزودند: رفتاری که انسان از برخی دستگاه‌های فرهنگی و برخی دستگاه مسئول مشاهده می‌کند، همت و تلاش برای انتقال ارزش‌های دفاع مقدس را نشان نمی‌دهد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه انتقال ارزش‌ها و انگیزه‌های دوران دفاع مقدس به نسل جدید نیازمند کار هنرمندانه و پیگیری بی‌وقفه است، خاطر نشان کردند: به رغم همه سختی‌ها و تنگدستی‌ها و مشکلات، نقاط مثبت فراوان و آمادگی‌های زیادی برای حرکت در جهت اسلام و انقلاب در کشور وجود دارد که باید تقویت شوند.

ایشان ضمن تجلیل از مردم استان البرز به ویژه خانواده‌های شهدای این استان و قدردانی از دست‌اندرکاران کنگره بزرگداشت شهدای استان البرز، حضور افرادی از نقاط مختلف ایران را در کرج، یک مزیت دانستند و گفتند: اگر بزرگداشت شهدا و انتقال پیام و ارزش‌های آن شهدا به خوبی انجام شود می‌تواند به واسطه همین مزیت به دیگر نقاط کشور نیز منتقل گردد.

به تربیت نفستان بپردازید

جوانها و در درجه‌ی اول دانشجویان و دانش‌آموزان و بعد بقیه‌ی جوانها در هر قشری؛ کارگر، بازاری، روستایی، شهری؛ باید خودسازی کنند. خودتان را با تربیت دینی بسازید. امور تربیتی خوب است، معلم تربیت خوب است، گوینده‌ی تربیتی خوب است اما آن کسی که «واعظ من نفیسه» موعظه‌کننده و تربیت‌کننده‌ی از درون خود نداشته باشد، این تربیتها به کارش نمی‌آید. خودتان را بسازید؛ با نفس مبارزه کنید؛ اجرای حکم الهی را در محدوده‌ی شخص خودتان بزرگ بشمارید؛ به نماز، به توجه به خدا، به دعا، به توکل اهمیت بدهید؛ این شما را پولادین خواهد کرد.

۱۳۷۰/۰۸/۱۵ | بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان

تاریخ بخوانید

تاریخ یعنی شرح حال ما، در صحنه‌ای دیگر هر کدام باید ببینیم در کدام قسمت داستان قرار گرفته‌ایم. ۱۳۷۳/۳/۲۰

درباره مطالعه تاریخ...

گاهی یک جمله می‌تواند مثل تلنگری بیدارکننده، ذهن انسان را تکان بدهد؛ «یکی از چیزهایی که بنده نگران آن هستم، این است که این نسل جوانِ بالنده بتدریج حوادث مهم تاریخی را، این عبرتهای بزرگ دوران معاصر را از یاد ببرد.» ۱۳۹۴/۶/۱۸

این سخن رهبر انقلاب، فقط یک گلابیه نیست؛ نشانه‌ی یک واقعیت مهم است: اگر گذشته را ندانیم، امروز را درست نمی‌فهمیم و فردا را گم می‌کنیم. تاریخ فقط مجموعه‌ای از تاریخ‌های شمسی و قمری و اسامی شخصیت‌ها نیست. تاریخ «قصه‌ی ما در صحنه‌ای دیگر» است؛ آینه‌ای که نشان می‌دهد اگر آدم‌ها، ملت‌ها یا حکومت‌ها چه تصمیم‌هایی بگیرند، چه آینده‌ای انتظارشان را می‌کشد. آیت‌الله خامنه‌ای بارها تکرار کرده‌اند که تاریخ «درس و گنجینه‌ی اطلاعات بشر» است و اگر از آن غفلت کنیم، گرفتار تکرار اشتباهات گذشته خواهیم شد.

نگرانی اصلی ایشان همین جاست؛ اینکه نسل جوان - با همه‌ی ایمان و انرژی و انگیزه‌ای که دارد - از حوادث مهم تاریخ معاصر غافل بماند. ایشان با صراحت می‌فرمایند: «یکی از راههای فریب و اغواگری، تحریف تاریخ است که امروز متأسفانه این کار به وفور صورت می‌گیرد... من از این که میبینم جوانان ما از این قضایای اطلاعاتی، رنج میبریم.» ۱۳۸۰/۸/۲۰

فراموش شدن این حوادث فقط یک کمبود علمی نیست؛ یک خطر است. چون تحریف تاریخ، دقیقاً از همین نقطه وارد می‌شود: از جایی که مردم گذشته را نمی‌دانند، پس روایت جعلی را راحت‌تر باور می‌کنند. شاید مهم‌ترین فایده‌ی خواندن تاریخ همین باشد که ما را در برابر این تحریف مصون می‌کند. مطالعه‌ی تاریخ قدرت تشخیص می‌دهد؛ نشان می‌دهد کدام جریان‌ها در طول تاریخ چه کرده‌اند، چه نقابی داشته‌اند و چه باطنی. تاریخ نشان می‌دهد کدام ملت‌ها از بی‌توجهی ضربه خوردند و کدام‌ها با بصیرت و آگاهی توانستند سرنوشت خودشان را بسازند. تاریخ مثل چراغی است که مسیر پیش روی ما را روشن می‌کند. اگر آن چراغ خاموش شود، قدم بعدی ما در تاریکی خواهد بود. همین است که باید تاریخ بخوانیم؛ برای اینکه امروز را بهتر بفهمیم، فریب روایت‌ها را نخوریم و راه آینده‌مان را آگاهانه انتخاب کنیم.

خانواده؛ مهم‌ترین نهاد اجتماعی

تحکم مرد در خانواده با تدین و اخلاق اسلامی سازگاری ندارد

بی‌تردید، تبیین و نهادینه‌سازی «اخلاق اسلامی» در روابط زن و مرد، به‌ویژه در حریم خانواده، از ضرورت‌های جامعه امروز است. متأسفانه گاهی شاهد آن هستیم که برخی افراد با وجود التزام به ظواهر دینی، در میدان عمل و رفتار با جنس مخالف، از روح تعالیم ناب اسلامی فاصله دارند. این ناهمگونی سبب می‌شود تدین آنان مانع از تحکم و زورگویی‌شان نشود. همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی تأکید فرموده‌اند: «تصویر کیفیت برخورد زن و مرد در اخلاق اسلامی و قانون اسلامی به نظر ما بایستی بیشتر رویش کار شود. بعضی متدین هم هستند، اما چون با مفاهیم اسلامی درست آشنا نیستند و اخلاقیات مرتبط با روابط زن و مرد را در اسلام درست نمی‌دانند، تدینشان موجب نمی‌شود که از غلطتشان کم شود، از تحکم و زورگویی‌شان بکاهد؛ نه، هم متدینند، هم آن تحکمه‌ها و زورگویی‌ها را دارند؛ این هم باید اصلاح شود. اخلاق اسلامی در روابط زن و مرد - بخصوص در داخل خانواده - باید مورد توجه قرار بگیرد.»

۱۳۸۶/۰۴/۱۳

این مسئله نشان می‌دهد که صرف ادعای دینداری کافی نیست و شناخت عمیق و صحیح از موازین اخلاقی اسلام در تنظیم روابط، امری اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین، باید با کار فرهنگی ژرف و خستگی‌ناپذیر، هم در عرصه‌ی آموزش مفاهیم و هم در زمینه‌ی ترویج سبک زندگی اسلامی، این خلأ را پر کرد. هدف نهایی، تحکیم کانون خانواده بر پایه‌ی مهر، مدارا و قوانین متقن الهی است تا کرامت انسانی هر دو طرف محفوظ بماند و دینداری به رفتاری کریمانه و عاری از هرگونه خشونت و تحکم منجر شود.



«خانوم ماه»

انتشارات: به نشر

نویسنده: ساجده تقی زاده

۳۵۰

در کتاب «خانوم ماه» زندگی «خانم ناز علی نژاد»، همسر شهید «حاج شیرعلی سلطانی» از اهالی شیراز روایت می‌شود؛ زنی که از کودکی در متن حوادث انقلاب و جنگ رشد کرد و در خانواده‌ای پر از ایثار و شهادت قد کشید. ساجده تقی زاده در این رمان سه فصلی، با زبانی ساده و روایت محور، زندگی خانم ناز را از روزهای کودکی تا جوانی، ازدواج، مادرشدن، حضور در کنار همسر رزمنده‌اش و سال‌های پس از شهادت او به تصویر می‌کشد. کتاب با جزئیات فرهنگی و تاریخی، فضای محلات شیراز، رسوم و رسوم مردم آن منطقه و نقش زنان مقاوم در سال‌های پرحادثه انقلاب و دفاع مقدس را زنده می‌کند و نشان می‌دهد چگونه ایمان، صبر و ریشه‌های محکم خانوادگی می‌تواند فرد را در برابر سخت‌ترین ابتلائات نگه دارد.

متن کتاب و معرفی آن به نوعی ادای احترام به نسل مؤمن و مقاومی است که در دهه شصت، با وجود نداشتن تجربه جنگ و امکانات محدود، تاریخ درخشانی آفریدند؛ نسلی که در هر شهر و هر خانه‌ای، روایت‌هایی مشابه از ایثار داشت. نویسنده نیز بر همین هم‌سانی تجربه‌ها تأکید می‌کند: از خراسان تا آذربایجان و شیراز، زندگی خانواده‌های انقلابی در بسیاری از ویژگی‌ها به هم شبیه بود و این وحدت ریشه در رهبری امام خمینی و روحیه‌ای داشت که او در مردم دمید.

رمان «خانوم ماه» به تدریج آشکار می‌کند که خانم ناز در خانواده‌ای زندگی می‌کند که چندین شهید، جانباز، مفقودالثر و رزمنده دارد و همین موضوع یکی از نقاط قوت اثر است. کتاب با نگاهی قابل فهم، تهدیدها و فشارهایی که خانواده‌های انقلابی در سال‌های قبل از انقلاب، دوران جنگ و پس از آن تجربه کردند، از ساواک تا منافقین، شرح می‌دهد؛ هرچند گاه به شعاع زندگی نزدیک می‌شود. یکی از بخش‌های تأثیرگذار کتاب، روایت حسرت‌های کوچک و بزرگ آن دوران است؛ از نبود امکانات عکاسی و نداشتن تصاویر شهدا تا وصیت‌های مشترک رزمندگان درباره زیارت کربلا. همچنین به نشانه‌هایی از حضور معنوی شهدا در زندگی بازماندگان اشاره می‌شود. نویسنده با همراه کردن مخاطب با غم‌ها و امیدهای خانم ناز - از فقدان برادر و پسرش تا شهادت همسرش - مسیر چند دهه از زندگی او را ترسیم می‌کند؛ زنی که هم با داغ‌ها ساخت و هم با استقامت، وصیت و امانت‌های همسر شهیدش را حفظ کرد. در نهایت، «خانوم ماه» رمانی خوش‌خوان، انسانی و عاطفی است که گذشته‌ای نه چندان دور را زنده می‌کند و تصویری روشن از زنان مقاوم و گمنام تاریخ انقلاب ارائه می‌دهد.

بسم الله الرحمن الرحيم | سوره حمد، آیه ۱

شروع کارها با «بسم الله» جهت گیری زندگی ما را نشان می‌دهد

چرا سوره‌های قرآن و هر کاری در اسلام - هر سخنی، هر حرکتی و عملی - با نام خدا شروع می‌شود؟ شروع به نام خدا نشان‌دهنده جهت‌گیری و تعلق این کار و این سخن است. همچنان که شروع به نام هر کس دیگر و هر چیز دیگر نیز همین خاصیت را دارد. وقتی شما کاری را با نام خدا شروع می‌کنید، می‌فهمانید که این کار متعلق به خدا است، همچنان که می‌فهمانید که رجوع این کار به خدا است؛ یعنی جهت‌گیری این کار به سمت خدا است. بنابراین وقتی سوره‌های را، مجموعه‌ای کلمات نورانی را با نام خدا شروع می‌کنید، یعنی این سخن متعلق به خدا است و به سمت خدا است و در جهت معرفت خدا است. ۱۳۶۹/۱۲/۲۲ • (بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در جلسه تفسیر سوره حمد)

حدیث زندگی

نه فقط با محبت بلکه باید با عمل نورانی بشویم

آنچه ما وظیفه داریم، این است که خود را شایسته‌ای انتساب به آن خاندان کنیم. البته منتسب بودن به خاندان رسالت و از جمله‌ی وابستگان آنها و معروفین به ولایت آنها بودن، دشوار است. در زیارت [جامعه کبیره از امام هادی علیه السلام] می‌خوانیم که ما معروفین به دوستی و محبت شما هستیم؛ (مَعْرُوفِينَ بِتَضَدِّيقَاتِكُمْ) این وظیفه‌ی مضاعفی را بر دوش ما می‌گذارد... ما باید خودمان را به این مرکز نور نزدیک کنیم؛ و نزدیک شدن به مرکز نور، لازمه و خاصیتش، نورانی شدن است. باید با عمل، و نه با محبت خالی، نورانی بشویم؛ عملی که همان محبت و همان ولایت و همان ایمان، آن را به ما املاء می‌کند و از ما می‌خواهد. باید این عمل، باید جزو این خاندان و وابسته‌ی به این خاندان بشویم. ۱۳۷۰/۱۰/۵ •

کلام امام، نقشه راه انقلاب

شرافت این سه ماه در زیانها و دریانها و در فکرهای نمی‌گنجد



این سه ماه رجب و شعبان و ماه مبارک رمضان، برکات بسیار نصیب انسان، انسانهایی که می‌توانند استفاده کنند از این برکات، شده است. البته مبدأ همه مبعث است و دنبال او تمام جهانی که هست. در ماه رجب، مبعث بزرگ و ولادت مولا علی بن ابیطالب - سلام الله علیه - و بعضی ائمه دیگر، و در ماه شعبان ولادت حضرت سید الشهدا - سلام الله علیه - و ولادت حضرت صاحب - ارواحنا له الفداء - و در ماه مبارک، نزول قرآن بر قلب مبارک پیغمبر اکرم بوده است. و شرافت این سه ماه در زیانها و دریانها و در عقلا و در فکرهای نمی‌گنجد. و از برکات این ماهها ادعیه‌ای است که وارد شده است در این ماهها. صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۱۷، ص ۴۵۵

یاد

به مناسبت ۲۷ آذر سالروز تبعید آیت الله خامنه‌ای به ایران شهر در سال ۱۳۵۶ توسط حکومت پهلوی

شیرینی آن انقطاع هنوز در مذاقم باقی است!

به من اطلاع دادند که تبعیدگاهم «ایران شهر» است... وقتی به ایران شهر رسیدیم در مرکز پلیس، برایم پرونده‌ای تشکیل دادند و از من تعهد گرفتند که شهر را ترک نکنم و هر روزه برای امضا، در مرکز پلیس حضور یابم. به تهنای بیرون آمدم و سراغ مسجدی را گرفتم. مرا به «مسجد آل رسول» راهنمایی کردند و مطلع شدم که این تنها مسجد شیعیان در این شهر است. مساجد دیگری هم هست که به برادران اهل سنت تعلق دارد. مسجدی که به آن وارد شدم، در نهایت زیبایی و شکوه بود؛ با قالیهای نفیس و گرانیه‌ها مفروش شده بود و در حیات آن، درختان بلند و جوی آب شیرینی بود که از آب تهران دست کمی نداشت. احساس نوعی شادی و خوشی به من دست داد. لباسهایم را در گوشه‌ای گذاشتم، سپس وضو گرفتم و به نماز ایستادم. یک حالت بریدگی و انقطاعی را احساس کردم که هنوز هم شیرینی آن در مذاقم باقی است؛ چون در آن ساعات، از خانواده و فرزندان و دوستان منقطع شده بودم و با همه‌ی وجودم رو به سوی خداوند سبحان داشتم. چنین احساسی آنقدر لذت دارد که بیش از آن به تصور نمی‌آید. خاطرات خود گفته حضرت آیت الله خامنه‌ای

منشور معنوی انقلاب

فرازی از وصیتنامه شهید امیرعلی حاجی زاده

حفظ انقلاب، تکلیف الهی ماست



۱۴۰۴/۳/۲۳

مزار گنبد شهدای بهشت زهرا

انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران حاصل مجاهدت، ایثار و فداکاری و آرزوی همه معصومین علیهم‌السلام، صالحان از صدر اسلام تا کنون بوده است و این نعمت الهی با تقدیم چند هزار شهید، جانباز، خون دل مادران، پدران و خانواده‌های داغ دیده و تلاش مجاهدت ایثارگران و علمای راه حق حاصل شده است. بر همه‌ی ما تکلیف الهی است تا آن را حفظ کنیم و تا رسیدن به جامعه اسلامی، دولت اسلامی و تمدن اسلامی از هیچ کوششی دریغ نشود.